

الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم روشن و منیر است...

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



رقم (20) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اقتدارات - صفحه 240
- 247

(20)

الاقدس الاعلی

الحمد لله از تجلیات انوار نیر اعظم افق عالم روشن و منیر است و فیوضات رحمانیه از سماء مرحمت و مکرمت جاری و نازل طوبی از برای نفوسیکه بوساوس انفس خبیثه از شاطی بحر احدیه محروم نمانده اند و حجات وهمیه را بعنایات مالک بریه خرق نموده اند ایشانند نفوسیکه نهر مرحمت را از ایادی فضل من غیر تأمل گرفته و نوشیده اند ان لهم حسن مآب ای طائران هوای رحمن و طائفان کعبه عرفان بشنویند ندای این مظلومرا که در منتهای شدت و بلا شما را فراموش نموده و در کل احیان احبای رحمن را امر مینماید بآنچه خیر است از برای ایشان عما خلق فی السموات و الارضین اعظم از کل امور استقامت و اتفاق بر کلمه جامعه الهیه است انشاء الله از فضل رحمانی و عنایت سبحانی کل بآن فائز شوید این بسی واضح و معلوم است که آنچه ذکر میشود مقصود خلاصی نفوس است از سجن نفس و هوی و ارتقائهم الی الافق الاعلی انشاء الله باید کل متمسک بجبل محکم استقامت شوند و متشبث بذیل اتحاد و اتفاق گردند باید بشأنی بر امر مستقیم باشند که نفعات آن مضطربین و متزلزلین را مستقیم نماید لیس هذا علی الله بعزیز ان رأیم الجیم قولوا له بای حجة اقبلت و بای برهان



ORIGINAL

اعرضت عن الله المقتدر العزيز الحكيم انك اتبعت اهواء الذى ما عرف اليمين عن الشمال الا انه من الاخسرین
 و الذى اغویک قد اخذناه بذنبه اذا فى بحر النار يقول تبت اليک يا محبوب العالمين ضرب على فمه من يد القدرة
 و قيل اصمت يا ايها المشرك البعيد انك دعوت الناس الى الذى ما رأيتہ و ما عرفته و ما اطلعت على امره و
 انت تصدقنى فى ذلك لو تكون من المنصفين يا عبد ارحم نفسك و انفس الناس و لا تتبع الذين اتبعوا الاوهام
 و جعلوها لانفسهم اربابا من دون الله دع ما عندهم ثم استقم بالاستقامة الكبرى على امر ربك فاطر الارض و
 السماء كذلك يأمرک مالک الاسماء لو كنت من العالمين بلسان پارسی القا کنيد که شاید کلمات نصحيه
 ربانيه را ادراک نماید و بشاطی بحر اعظم راجع شود عجب در اينست که بعد از امواج بديعه منيعه البحر الطاف
 الهيه و اشراقات کلمات ربانيه باشارات عتيقه خلقه باليه خلافت و امثال آن از شاطی بحر احديه ممنوع و محروم
 مشاهده ميشوند قل الله يعلم ما فى قلوبکم و ما انتم به تنطقون و تتکلمون در اين ایام روحانی باید کل بطراز بدع
 رحمانی فائز شوند مقدسا عن کل ما فى ایدی الناس و عن کل ما سمعوا تا چه رسد بخلافت مجعوله که از ناحیه
 کذب ظاهر شده امثال این اذکار سبحات مجلله بوده که اکثر بریه از خرق آن عاجزند و لکن از برای حق
 عباديست که بقدرت الهیه کل را خرق نموده اند و بدوست پیوسته اند اليوم آل الله نفوسی هستند که جمیع من
 فى السموات و الارض را معلق باراده حق دانند بشأنيکه اگر بخواهد بحرکت اصبع اراده ذره تراب را باعلی
 ذروه ابداع رساند و همچنين اعلى ذروه را بادنی ذره راجع فرماید کل ما يقول هو حق و ما يحکم به ينبغى ان
 يكون محبوب العارفين بدیع من جميع الجهات در این ظهور ظاهر لو کان الناس فيه يتفكرون باری بعضی اهل بیان
 باقوال ارامل اهل فرقان ناسرا از شریعه رحمن منع نموده اند بحرف جیم و امثال او بگوئید بعین بصیرت مشاهده
 کنید هزار سال او ازید جمیع فرق اثنی عشریه نفس موهومیرا که اصلا موجود نبوده مع عیال و اطفال موهومه
 در مدائن موهومه محل معین نمودند و ساجد او بودند و اگر نفسی انکار او مینمود فتوای قتل میدادند الا انهم
 من عبدة الاوهام فى کتاب ربک العليم الخبير و بعد از تولد نقطه در ارض معروفه نزد صاحبان بصیرت واضح
 شد که آنچه در دست قوم بوده کل باطل و بیعنی بوده همین قسم در جمیع مطالبیکه نزد آن قوم است مشاهده
 کنید انى لا احب ان اخرق بعض الاحجاب طوبى لقوى يخرق بانامل اليقين ليرى ما هو المراد عند ربه مالک
 الایجاد کل در این ظهور مأمورند که در نفس ظهور و آثار او مقدسا عن الكل مشاهده نمایند و این فضل
 مخصوص این ظهور بوده و همچنین میفرماید اذا ظهر يبدل النور بالظلمة و الظلمة بالنور مع ذلك بنفسيکه از مبدء
 و منتهای او مطلع نیستید از مطلع انوار احديه و مشرق آیات الهیه محروم مانده اید بگوئید قدری بیان فارسی را
 ملاحظه کنید لعلمک تدعون الموهوم و ترون شمس اسم ربکم القيوم مشرقة بين السموات و الارضين بشنويد ندای
 ناصح امين را و قطع نظر از آنچه استماع نمودید در آیات الهیه نظر نمائید و در ما ظهر فى الظهور تفکر کنید لعلمک
 تدعون الهوى و تتوجهون الى الله العليم الحكيم ان تکفروا انتم و من على الارض جميعا انه هو الغنى الحميد انتم يا
 احبائى فى القاف دعوا هؤلاء ثم اقبلوا بالقلوب الى شطر الله المقتدر العزيز المحبوب كونوا على شأن تستضيء بکم
 الآفاق و تتوجه بکم الوجوه الى شطر ربکم العزيز الودود احمدوا الله بما جرت اسمائکم من قلم الوحى و ينطق
 باذکارکم لسان المسجون نسل الله ان يؤيدکم على الاتحاد فى امر ربکم مالک يوم المعاد و يجعلکم من الذين لا

خوف عليهم و لا هم يحزنون اشربوا كأس الحيوان بالروح و الريحان رغما للذين كفروا بالرحمن و كانوا عن لقاءه هم معرضون طوبى لكم بما ذكرتم من لدن مالک القدم في السجن الاعظم و توجه اليكم طرف الله المقتدر المهيمن القيوم يا ستيد بر امر الله بشأنيکه هر مضطربى مستقيم شود و هر عظم رميمى بمرکت آيد و جهد نمائيد تا ظلمت امکان از انوار ذکر رحمن مستنير شود انشاء الله کل بما يليق لشيء و نكم و نسبتكم الى الله قيام نمائيد سدره منتهى تکلم مي فرمايد بگوش جان بشنويد لسان رحمن در نطق است باصغای آن فائز شويد کذلک يذکرکم ربکم المتکلم العليم يا امأى هناك افرحن بما ذکرتن من القلم الاعلى ثم استقمن على امر الله مالک الاسماء کذلک يعظکن ربکن في هذا اللوح الذى طرز بطراز بيان الله العزيز المحمود اى اماء من انشاء الله لم يزل و لا يزال از کوثر محبت غنى بيزوال بياشاميد و بذکر و ثنائش ناطق باشيد انما البهآء عليكم يا احبآء الله و على الذين يسمعون قولکم في هذا الامر الابدع العظيم